

نگاهی به سریال سوجان؛

مثلث قدرت، ثروت و عشق



سریال با داستان دخترزاد بودن همسران خان یکی از روستاهای گیلان در سالهای ۱۳۱۰ به بعد آغاز می‌شود، جرمی نابخشودنی که همیشه تاریخ زنان متهم بی‌گناه این پرونده بوده‌اند

نگاهی به شخصیت پردازی

شخصیت پردازی درست سوجان و به خصوص «قربان» کار را برای مخاطب باورپذیر می‌کند. مخاطب می‌بیند که قربان و سوجان هر دو جاه‌طلبند اما یکی تلاش و تحصیل در رشته‌ی پزشکی را جاه‌طلبی می‌داند و یکی پریدن بازمهتران و امتحان همه راه‌های یک‌شبه پولدار شدن را. و این تفاوت دیدگاه، جرقه‌های اختلاف و در نهایت جدایی را باورپذیر می‌کند. بخش جذاب قصه‌ی سوجان همین جاست و مخاطبی که کندی قسمت‌های ابتدایی سریال را تحمل کرده حالا به مثلث عشقی طلا و قربان و سوجان مشتاق است. گرچه یک‌تازی قربان مقابل سران قدرت و ثروت گیلان بعد از به قدرت رسیدن، با توجه به اینکه او فقط یک سرباز صفر بوده، کمی اذیت‌کننده است و جای داستان‌های مخوف باندهای قدرت و ثروت در داستان به شدت خالی است ولی چون به پایان داستان نرسیده‌ایم هنوز می‌توان امیدوار بود سران قدرت و ثروت به زودی به خدمت این سرباز صفر برسند! از طرفی سریال سوجان پر از قصه‌های شخصیت‌های فرعی است. از غلام و اسکندر و خسروخان و انیس بگیر تا پرویز و سهراب و جاوید تا بی‌بی تی و بانو و امیر حسین. قصه‌های فرعی سوجان اما همانقدر که به کار کمک کرده به آن آسیب هم زده است. مثلاً قصه خان و بانو و امیر حسین بسیار پرش دارد و اصلاً روی کار نمی‌نشیند. قصه‌ی خسروخان و انیس طولانی است و فراز و فرودهای قتل آن هم کمکی به جذاب بودنش نمی‌کند. از طرفی اما قصه‌ی دو برادر یعنی سهراب (با بازی بهادر زمانی) و به خصوص جاوید (با بازی افشین غیائی) بسیار موافقت مخاطبان را جلب کرده است. گرچه یک شخصیت تکراری کم‌توان ذهنی یا جسمی تقریباً جزو جداناپذیر فیلم‌های روستایی ایرانی شده اما شخصیت جاوید در این فیلم خوش درخشیده و گاهی از بازیگران نقش اصلی هم اکت بهتری دارد. در کل با توجه به اینکه

فیلمبردار ی
سریال حدود



خط اصلی قصه‌ی سوجان جذاب است. در یکی از روستاهای گیلان دخترعمو و پسرعمویی به نام قربان (با بازی علی مرادی) و سوجان (با بازی غزاله اکرمی) شیرینی خورده‌ی هم هستند. در این بین سوجان چیزهایی در روحیات قربان می‌بیند که تصمیم به برهم زدن نامزدی می‌گیرد اما قربان در نهایت رضایت سوجان را به دست می‌آورد. در این حین قربان به سربازی می‌رود و با لیاقتی که از خود نشان می‌دهد توجه یک پدر و دختر از خانواده‌های بانفوذ گیلان را جلب می‌کند؛ حشمت خان جفودی (با بازی بهزاد فراهانی) و دخترش طلا (با بازی زهرا جهرمی). قربان که قبلاً نشان داده بلندپرواز است، در جلب توجه دختر افسرده‌ی حشمت خان تا آنجا پیش می‌رود که تصمیم به ازدواج با او و ترک سوجان می‌گیرد. این خط اصلی قصه‌ی سوجان است که اصولاً عموم مخاطبان تلویزیون را جذب می‌کند. در ادامه به بررسی بازیگران این سریال و نگارش فیلمنامه می‌پردازیم.